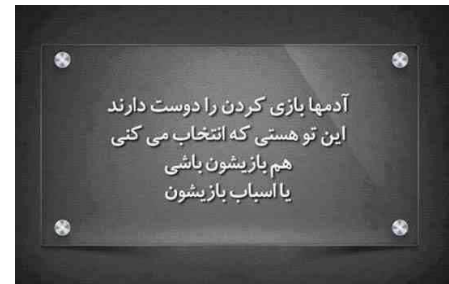


پیش بینی اشغال افغانستان از سوی شوروی: سند اجتماع استخباراتی

قسمت دوم

برگردان: خلیل

عکس العمل های بین المللی



تمام عکس ها جنبه تزئینی داشته و بااصل سند ارتباطی ندارند

مسکو، بدون شگفتی، تصاحب قدرت از سوی داوود را استقبال کرد. کارنامه هایش در تسهیل نفوذ وسیع شوروی، و این حقیقت که جناحهای سیاسی و نظامی تحت حمایت شوروی از حرکتش (در کودتا) پشتیبانی کردند، در مسکو به چشم نشانه های امیدواری ها در آینده دیده می شدند. پیامی از سوی رهبری شوروی یک هفته بعد از غصب قدرت ابراز اطمینان نمود که " دوستی و ... همکاری " بین دو حکومت بتواند " بطور موفقیت آمیزی بیشتر انکشاف نماید."¹⁰ پیشکش های یاری فزاینده از پی آمدند، و در جریان یک بازدید از مسکو در جون 1974، داوود موافقت نامه ای را برای کمک اضافی اقتصادی به ارزش 600 میلیون دالر منعقد کرد. شوروی ها برای یک آینده ی قابل پیش بینی برای به قدرت رسیدن کارمل و جناح پرچم او سرمایه گذاری می کردند، کسی که روسها او را نسبت به خلقی-های یک دنده (کله شیخ) و مقابله جوی بیشتر حرف شنو میدانستند.¹¹



مرحومین داوود و نعیم در حال ادای نماز

پیامدهای کودتای داوود برای گسترش قدرت شوروی در منطقه نگرانی هانی مشترکی را درواشنگتن، تهران و اسلام آباد تولید کرد. رهبران ایران و پاکستان این موضوع را به هنری کیسنجر وزیر خارجه امریکا حین بازدیدش از مراکز این کشورها در نوامبر 1973 واضح ساختند. بدترین کابوس شان عبارت بود از خریدن شوروی به سوی بحر هند. ایران در یک مساعی مشترک رهبری را بدوش گرفت برای استفاده از کمک های اقتصادی و تخنیکی سخاوتمندانه برای منصرف کردن داوود از وابستگی برمسکو و غرض تشویق او برای بیرون کردن جناح زیرحمایت- شوروی از حکومتش. در 1974، ایران به حیث اقدام ابتدائی ایکه متعاقباً به بسته کمک اقتصادی بزرگتر از آنچه که از سوی دیگرگروپ ها، به شمول مسکو، تعارف شده بودند، خریدتی سهل 40 میلیون دالری را به رژیم داوود ارایه کرد. کیسنجر وزیر خارجه در ماه نوامبر 1974 از کابل بازدید نمود، وپه زودی بعد ازآن، یک هیئاتی از اداره کمک های انکشافی بین المللی امریکا (USAID) را با پیشکش کمک های اقتصادی و تخنیکی روانه افغانستان نمود.¹²

هرچند، یک مانع دست و پاگیر در برابر ابتکارات سیاسی و اقتصادی ایالات متحده عبارت بود از منازعه دوامدار میان افغانستان و پاکستان برسر وضعیت حقوقی اقوام پشتون در مناطق مرزی پاکستان.¹³ این خصومت موجود در برابر ائتلاف ضد کمونیستی ایالات متحده- پاکستان، کمک های ایالات متحده را به افغانستان در دوران تصدی اخیر داوود بحیث رئیس حکومت (صدراعظم) مانع گردیده، وموجب روی گرداندن او به مسکو شده بود.¹⁴ ایران، اما بدنبال توسعه عظیم بازار تیل، یک منبع بالقوه جدید کمک را پیش کش نمود. اما یکبار دیگر، مخالفت افغانستان با پاکستان مانع پیشکش کمک هاگردید. بخاطر موقعیت تهران در ترتیبات امنیتی منطقوی امریکا، شاه خودش را با امکانات اندک برای مانور (دراین زمینه) یافت. او نیز مشکلات خودش را باریخته گی اقلیت های اتنیکي در ایران داشت.

این موضوعات در زمان کودتای داوود رو به افزایش بودند. تا به اوایل 1974، یک شورش مسلحانه در بلوچستان ، منطقه جنوب غربی پاکستان همسرحد با افغانستان و ایران، در جریان بود. در شمال غرب پاکستان، عمدتاً محل سکونت اتنیکهای افغان- پشتون، خرابکاری های یاغیگرانه یک رویداد عام بود. با اینکه وسعت مداخله ی رژیم داوود در این یاغیگری ها محتوی بعضی گفتمان بودند، اما او به وضوح برای جنگجویان مقاومت بلوچ اجازه میداد تا پایگاهانی در افغانستان تاسیس نمایند، و برای ناراضیان پشتون که در زیرتهدید گرفتاری در پاکستان، پناه گاه فراهم می کرد.¹⁵

در تلافی علیه اعمال افغانستان، پاکستان برای سازمانهای بنیاد گرای اسلامی و سایر افغانهای افراطی پول، لوازم و سلاح تهیه کرد که یورش ها و خراب کاری هائی را در داخل افغانستان سازمان می دادند. یک عضو سابق حکومت پاکستان پافشاری می کند که این عملیات نه به مقصد سرنگونی داوود بلکه برای فشار آوردن بر او برای مذاکره بودند.¹⁶ این کار می تواند توضیح بدهد که چرا ایران، در عین زمانی که کمک های اقتصادی را به داوود پیشکش کرده، و او را فشار میداد تا کشمکش با پاکستان را حل نماید، همچنان سلاح ومهمات ایالات متحده را به گروپهای یاغی در افغانستان فراهم میکرد. در حالیکه بعضی از این لوازم از چینل های پاکستانی فرستاده می شدند، بعضی نیز مستقیماً به گروپهای داده می شدند که در غرب افغانستان عملیات میکردند. ایران، بخاطر داشتن جمعیت قابل ملاحظه بلوچ خودی، انگیزه های خود را برای شاهد بودن سرکوب شورشیهای مسلحانه در بلوچستان داشته، و پاکستانی ها را با هلیکوپترهای امریکائی برای استفاده در این مساعی مجهز میکرد. بقول دست کم یک منبع، این عملکردها از سوی ایران در چوکات یک "همکاری سطحی" با ایالات متحده انجام میگرفتند. مصر و عربستان سعودی نیز برای گروپهای بنیاد گرای اسلامی افغان کمک مالی تامین میکردند،¹⁷ که بعضی شان (بعداً) حضور دوامداری در نبردگاه افغان داشتند.

یکی از معاونین وزارت خارجه افغانستان گفت یک پیامی که بطور واضحی از طریق چینل های دیپلماتیک واصل شد مبنی بر اینکه: مساعی آشکار برای حل منازعه با پاکستان ضروری اند، در صورتیکه داوود خواهان پیگیری کمک های چشم گیر از طرف ایالات متحده و هم پیمانانش باشد. صدراعظم ایران، که در اگست 1974 از کابل بازدید میکرد، پیشنهاد آغاز دیالوگ بین نمایندگان افغان و پاکستان را ارایه کرد، کاری که مقامات ترکی نیز مصروف آن بودند. کسینجر نیز در طی دیدارش در نوامبر بر این موضوع پافشاری کرد.¹⁸

داوود دلایل خودش را در وسیع ساختن منابع بین المللی کمک مالی خود و خفه سازی قدرت عناصر مورد تأیید - شوروی در داخل افغانستان داشت. یک شاهد صحنه گفت که داوود احتمالاً انگیزه ها و اهداف پرچم را بهتر از آنچه در ک میکرد که پرچم انگیزه ها و اهداف او را درک میکرد.¹⁹ بدینسان مشکل است تا ارزیابی نمود که چه مقدار فشار بیرونی و فریبکاریها و اغواها موجب روی گردانی اش از مسکو و جناحهای تحت حمایت - شوروی در داخل افغانستان، در نتیجه چرخشی که او انجام داد، شده بودند.

داوود از مسکو فاصله می گیرد

به حدی زود که در نیمه - 1974، درست وقتی که داوود اولین سفر بعد از کودتایش را به مسکو انجام داد، او قبلاً دو نفر کمونیست را از کابینه اش بیرون نموده و تصفیه وزارت داخله اش، این مسنول کنترل نیروهای پاسدار داخلی را شروع کرده بود. تا آغاز سال 1975، او با ذوالفقار علی بهوتو در گفتگوها راجع به حل وفصل منازعات فی مابین به توافق رسید.²⁰ هرچند، آغاز این گفتگوها با کشته شدن یکی از دوستان وهمکاران ذوالفقار علی بهوتو از سوی یک بمب گذار تروریست در اجنسی قبایلی پشتون نشین پاکستان، برای برای بیشتر از یکسال مختل شد، کاری که انتقام گیری بهوتو علیه مقامات سیاسی بومی پشتون را در پی داشت. بهرحال، به نظر میرسد که ابراز آرزومندی داوود برای کارکردن روی معضل به ثبت رسیده باشد. در اپریل 1975، او از ایران بازدید نموده و با یک کریدت قابل تمدید تا 2 بلیون دالر بازگشت، که از جمله 1.7 بلیون آن برای یک شبکه خط آهنی تخصیص یافته بود که شهرهای هرات، قندهار و کابل افغان را با خطوط ایران متصل نموده و به خلیج فارس گسترش می یافت. (فروپاشی متعاقب بازارهای تیل و سقوط شاه از به حقیقت پیوستن اکثر این پلان ها جلوگیری نمود).²¹



مرحوم داوود خان در حال دیدن کدام سندی با امریکایی ها در این صحنه مرحوم میوندوال نیز دیده می شود. این عکس شاید در دور صدارت او گرفته شده باشد.

به زودی بعد از بازگشت از ایران (تا رسیده به کابل، دراستدیوم ورزشی هرات.خ)، داوود اعلام نمود که افغانستان قادر به تحمل "ایدنولوژی های وارداتی" نمی باشد، که یک ضربه واضح بر جناحهای کمونیست در درون حکومت خودش بود. بعد از معهود ماههانی، او سه کمونیست دیگر، به شمول وزیر داخله را، از پستهای وزارتی معزول کرد. تا ختم ماه دسمبر 1975، هیچ کمونیست پرچمی در کابینه ی داوود باقی نماند و او بطور مؤثری تعداد (کمونیست ها) را از شغل های حکومتی تقلیل داد. او سپس اعلام داشت که (تدوین) قانون اساسی ای را رویدست میگیرد تا یک دولت تک حزبی را برقرار نماید. او انحلال پرچم و خلق را خواستار شده و گفت که کمونیستها بایست به حزب جدید انقلاب ملی²² (یا همان ملی غورزنگ.خ) او یکجا شوند.

داوود با احتیاط بیشتر در کاستن جناحهای کمونیست در ارتش اقدام کرد. بقول یکی از حامیانش، او از پی آمد های بالقوه یک واکنش شدید نظامی نگران بود (که بعداً در شکل کودتای ثور عملی شد.خ). معهداً، در اکتبر 1975، او به تعداد 40 نفر افسران آموزش دیده ی - شوروی را منفصل نمود و دیگران را به پادگانهای دور دست فرستاد. او همچنان به آموزش افسران افغان در هند و مصر (کشورهای که نیروهای مسلح شان همچنان با سلاح های شوروی مجهز بودند) آغاز نمود، شیوه ای که او را قادری ساخت تا تعداد افسران متمایل به نفوذ سیاسی آموزش دیده در اتحاد جماهیر شوروی را کم سازد. بعضی افسران نظامی برای تحصیل به ایالات متحده فرستاده شدند. داوود همچنان تلاش کرد تا تعداد مشاورین نظامی شوروی در افغانستان را کاهش بدهد.²³

سال بعدی نوید بخشی دوستی مجدد با پاکستان و توسعه بیشتر روابط با ایران را بدنبال داشت. بعد از چند ماه گزاره گویی ها، داوود و بهوتو گفتگوهای رو در رو را در کابل از 7-10 جون راجع به حل و فصل منازعه پشتون برگزار نمودند. آنها شش هفته بعد دو باره در پاکستان دیدار کردند. توافق نهائی حاصل نه شد، اما دوطرف توافق نمودند تا به مذاکرات ادامه دهند. یورشها از سوی گروههای بنیاد گرا متوقف گردید، مال التجاره میان دو کشور نسبتاً بطور آرامی در گردش بود و، در ماه مارچ 1977، پروازهای هوایی - متوقف شده از اوایل 1974 - میان دو کشور دوباره برقرار گردید. یک معاهده مورد مناقشه - طولانی مدت با ایران برای اعمار یک بند مفید دوجانبه بر فراز دریای در مرز دو کشور رسماً از سوی هر دو دولت تصدیق شده مرعی الاجرا گردید.²⁴ (منظور موافقت نامه دریای هلمند است.خ) و قانون اساسی جدید، تک حزبی داوود به تصویب رسیده، حزب دموکراتیک خلق افغانستان را غیر قانونی نموده - و این امر بر هر دو جناح آن تطبیق گردید.²⁵

شوروی ها تصمیم گرفتند که این وقتش بود تا داوود را برای گفتگو و مذاکره به مسکو دعوت نمایند، و یک دیداری برای 12-15 اپریل 1977 تنظیم گردید. در روز دوم دیدارها، لیونید بریژنف رهبر حزبی شوروی راجع به تعداد زیاد "متخصصین" از "کشورهای ناتو" مشغول در پروژه های مختلف در افغانستان به نطق غرائی پرداخت. او تأکید کرد که آنها "جواسیس" بوده و خواهان آن شد تا آنان از کشور بیرون شوند. داوود به سختی پاسخ داد که ملاحظات بریژنف "غیر قابل قبول... دست درازی" در امور داخلی افغانستان بودند. قرار گزارشات هر دو بطور ظاهری فی المجلس چیزهانی

برای اصلاح و ترمیم رد ویدل کردند، اما داوود بقیه ی بحث های خصوصی را که او با رهبر شوروی تعیین کرده بود فسخ نموده و یک روز بعد به کابل برگشت. از دیدگاه هردوی مسکو و کابل، این کار یک فرجامی آشکارا بدی در روابط شان بود.²⁶

بعد از رو- در-روئی مسکو، داوود پروگرام "گسترده" اش را تشدید کرد. او سهمیه افسران نظامی فرستاده شده برای آموزش در مصر و هند را افزایش بخشیده، فرستادن افسران قوای هوانی را برای آموزش به ترکیه آغاز نمود. او همچنان خودش را بادست باز با دولت های "میانه رو" غیرمتعهد مانند یوگوسلاویا در رابطه قرار داد. تا به اوایل 1978، موافقت نامه هائی را درمورد حدود 500 میلیون دالر را با هرکدام از کشور های عربستان سعودی و ایالات متحده، منعقد کرد. یک بازدید شاه ایران برای ماه جون تنظیم گردید، و داوود برنامه ریزی کرده بود تا در ماه سپتامبر با رئیس جمهور کارتر در واشنگتن دیدار نماید.



ولی خان در حال سرگوشی با کدام دوستش/ ضیا الحق رهبر نظامی پاکستان این جنایت کار قرنها

در عین زمان، باوجود براندازی بهوتو در پاکستان توسط یک رژیم نظامی* در سال 1977، مذاکرات بین کابل و اسلام آباد دوام داشت، و چنان به نظر میرسید که احتمال قوی برای حل و فصل اختلافات طولانی مدت شان وجود دارد. باوجود آنکه مسکو شاید با نرم (چرب) زبانی چنین مذاکراتی را با حکومت چپ گرای بهوتو به حیث یک اهرمی علیه ایالات متحده تشویق می نمود، یافتن یک راه حل با یک رژیم راست گرا در پاکستان، رژیمی که قویاً از سوی واشنگتن حمایت شده**، دورنمای یک تغییر جهت مهمی را در صف بندی های منطقوی در دست داشت. برای رهبران شوروی، آنچه شده بود واضحاً کافی بود.²⁷

*نویسنده یا نویسندگان از کاربرد "کودتای نظامی" در پاکستان خودداری نموده و در عوض صرف "رژیم نظامی" گفته اند.

**رژیم نظامی ایکه گزارش از روی کار آمدنش یادی نمیکند، و صرف مصروف برشمردن خطاهای شوروی است، پس این رژیم از سوی عمو سام توسط کودتای نظامی برسریر قدرت آورده شد، و بیرحمانه بهوتو را گردن زده و منطقه را با حمایت از بنیاد گراها برای طولانی مدت بی ثبات ساخت.